

شرحی بر نوشته‌ی آلن بدیو درباره‌ی اوضاع ناشی از اپیدمی

شیدان وثیق

در ۲۱ مارس ۲۰۲۰، آلن بدیو، فیلسوف معاصر فرانسوی، متنی درباره‌ی اوضاع کنونی در شرایط اپیدمی کوید-۱۹، زیر عنوان «درباره‌ی اوضاع ناشی از اپیدمی» منتشر می‌کند. در زیر، چکیده‌ی کوتاهی از آن را به آگاهی خواننده می‌رسانیم. برای مطالعه‌ی متن کامل، به زبان اصلی آن، فرانسه، و یا ترجمه‌ی آن به انگلیسی، علاقه‌مندان می‌توانند به لینک‌های ذکر شده در پایان این نوشته رجوع نمایند.

نوشتار جدید بدیو ناظر بر اوضاع و احوالی است که اپیدمی کوید-۱۹ در فرانسه ایجاد کرده است. روی سخن او اما بیشتر با فعالان سیاسی- نظری در فرانسه می‌باشد. او، در عین حال در نوشته‌اش، به طور خاص و با جسارت، با پندارهای پوچ و یاوه‌گویی‌هایی که در برخورد به پاندمی و نتیجه‌گیری از آن توسط شبکه‌های مجازی و برخی گرایش‌ها تبلیغ می‌شوند، به مقابله برمی‌خیزد.

از همان ابتدا، بدیو موضع ویژه‌ی خود را نسبت به وضعیت اپیدمی روشن می‌سازد. از نظر او «شرایط خارق‌العاده‌ای به وجود نیامده است». اپیدمی کنونی، با این که این‌بار، بنا بر ویژگی‌هایش، مرگ‌آور تر و جهان‌گیرتر است، اما به گونه‌ای، از نقطه نظر یک بیماری همه‌گیر ویروسی، پدیداری استثنائی و بی‌سابقه نیست. پیش از این نیز در سال‌های گذشته، دنیا با شکل‌ها و نام‌های دیگری از اپیدمی - چون ایدز، ویروس ایبولا، سارس و غیره - رو به رو شده است. در نتیجه، به گفته‌ی او: «ما با *با/استثنایی رو به رو نیستیم*».

سپس، با این که موضوع اصلی گفتار او چیز دیگری است، بدیو دست به توضیح کلی شرایط پیدایش و شیوع ویروس کرونا می‌زند. ماجرای اپیدمی با انتقال این ویروس از حیوان به انسان (از جنسی به جنسی دیگر) در استان ووهان چین آغاز می‌شود: «در بازارهای فروش انواع حیوانات زنده تنبلیار شده برای مصرف انسان، با آلودگی‌های خطرناک این گونه اماکن». اما در همین جا بدیو هشدار می‌دهد که ریشه‌های گسترش جهانی بیماری را نباید از راه «افسانه پردازی‌های راسیستی» (که منظور ضدچینی است) توضیح داد، بلکه عامل اصلی را می‌بایست در وضعیت کنونی بازار جهانی‌شده و تضادهای ساختاری دنیای کنونی ما نشان داد:

« ما در این جا دست روی یک تضاد عمده‌ی دنیای معاصر می‌گذاریم. از یک سو، تمام اقتصاد، که فرایند تولید انبوه کالاهای کارخانه‌ای را در بر می‌گیرد، از بازار جهانی برمی‌خیزد. اما از سوی دیگر، قدرت‌های سیاسی به‌طور عمده ملی باقی مانده‌اند و رقابت امپریالیسم‌های کهن (اروپا و ایالات متحده آمریکا) و جدید (چین و ژاپن) مانع هر گونه فرایند شکل‌گیری یک دولت سرمایه‌داری جهانی می‌شود.»

اما گفتار بدیو، بیشتر متوجه جریان‌هایی است که به‌ویژه از راه شبکه‌های مجازی و اجتماعی، دست به پخش اکاذیب و "تئوری"‌هایی می‌زنند که از کمترین اساس علمی تهی می‌باشند. او می‌نویسد:

«در این میان، با جسارت و آشکارا در سطح عموم، باید نشان داد که این به اصطلاح "شبکه‌های اجتماعی" - افزون بر این که بزرگ‌ترین میلیاردرهای زمان را پرور می‌کنند - بار دیگر به اثبات می‌رسانند که محل پروپاگاندا پهلوان‌پنبه‌ها، شایعه پراکنی‌های کنترل نشده و اختراع "نوآوری‌های" عهد دقیانوسی، اگر نگوییم میدان تاریک‌اندیشی شبه فاشیستی، می‌باشند.»

در همین راستا، بدیو گرایش‌های مختلف در برخورد به اپیدمی کرونا را به چند نوع تقسیم می‌کند. این دسته‌بندی را به‌طور کامل در زیر از قول بدیو می‌آوریم. چون، افزون بر اهمیت سیاسی و نظری آن، ویژگی نظرگاه بدیو را نیز نشان می‌دهد. انتقاد و افشاگری او در این جا البته متوجه جریان‌ها و گرایش‌های فرانسوی است اما خوب می‌دانیم که می‌توان نقد بدیو را به همه جا و همه‌ی کشورها تعمیم داد.

«این روزها یک سلسله احکام بی چون و چرا، فراخوان‌های رقت‌انگیز و اتهام‌های پرطمطراق در انواع مختلف مطرح می‌شوند، که همه در یک چیز مشترک اند: خوارشمردن شگفت‌انگیز سادگی موضوع و فقدان نازکی و نوآوری در برخورد با اوضاع اپیدمی کنونی.»

- برخی بیهوده سرسپرده‌ی قدرت‌ها می‌شوند، در حالی که اینان کاری جز آن چه که بنا بر ماهیت این اپیدمی ملزم به اجرای آن هستند، انجام نمی‌دهند.

- برخی دیگر حکایت کره‌ی ارض و رازآمیزی آن را دوباره به میدان می‌کشند، بحثی که اکنون رَه به هیچ جا نمی‌تُرد.

- تعدادی افراد نیز همه چیز را به گردن ماکرون بیچاره می‌اندازند، که به عنوان رئیس دولت در یک شرایط جنگی یا اپیدمی، کاری چنان بدتر از دیگران نمی‌کند.

- بعضی‌ها نیز هر دم، وقوع یک رخداد انقلابی فوق العاده و بنیان‌گذار را جار می‌زنند، که معلوم نیست این موضوع چه رابطه‌ای با ریشه‌کن ساختن ویروس کرونا دارد، گذشته از این که «انقلابیون» ما کمترین راه و شیوه‌ی نوینی ندارند.

- سرانجام، عده‌ای هم، اندوهناک، در بدبینی فاجعه‌ی آخرالزمانی فرو می‌غلطند و یا چنان از کوره درمی‌روند که به اصل زرین ایدئولوژی معاصر یعنی «من خود در درجه اول» روی می‌آورند. این تکراری خودبینانه در شرایط کنونی نه تنها سودی نمی‌رساند بلکه کمکی نیز نمی‌کند، حتا می‌تواند شریک جرم فزونی و گسترش آلودگی و ویروسی در مقیاسی وسیع‌تر و بی‌پایان گردد.»

در ادامه، بدیو به نقد آن تصویری می‌پردازد که معتقد است که این گونه پدیدارها، چون اپیدمی، می‌توانند، در خود، «راه سیاستی نوآورانه» را باز گشایند. او توافقی با این وهم و پندار ندارد، اما بر این باور است که این مصیبت می‌تواند شرایط پیشرفت امر انتقال داده‌های علمی در باره‌ی اپیدمی را فراهم آورد و در ضمن کمک کند به قدرت‌گیری سیاسی اعتقادات نوینی در زمینه‌ی مربوط به امور پزشکی و بهداشت عمومی، در مورد سیاست آموزشی برابری، مراقبت از سالمندان و مسائلی از این دست. این‌ها، در شرایط اپیدمی کنونی، مواردی هستند که ضعف‌ها و کاستی‌های خطرناک سیاست‌های سنتی رژیم‌های امروزی در فرانسه و جهان را نمایان می‌سازند. بدیو در این جا اشاره دارد به پیدایش این کمبودها و بی‌کفایتی‌های بزرگ - چون کمبود تجهیزات ایمنی (ماسک‌های حفاظتی...)، عدم آمادگی بیمارستان‌ها و غیره - که در این مبارزه‌ی عمومی یا در این جنگ با اپیدمی، هم اجتناب‌ناپذیر و هم ساختاری‌اند. این‌ها همه در عین حال از سیاست‌های دولت‌ها در تضعیف بخش‌های عمومی، بهداشتی، اجتماعی، خدماتی... ناشی می‌گردند که طی چندین دهه، حداقل از سی سال پیش به این سو، در

فرانسه اجرا می‌شوند. اما بَدیو در ضمن گوشزد می‌کند که به جز شاید چند دانشمند کسی واقعه‌ی اپیدمی کرونا را پیش‌نکرده بود و می‌نویسد:

«چی کسی می‌تواند واقعاً به خود ببالد که این پدیده را "پیش‌بینی" کرده بود؟ از جهاتی، دولت وضعیت کنونی را پیش‌بینی نکرده بود و این نکته درست است... اما در عین حال درست است که بگویم هیچ کس دیگری نیز در فرانسه چنین اپیدمی گسترده‌ای را پیش‌بینی نکرده بود، به جز شاید چند دانشمند منفرد. بسیاری فکر می‌کردند که این گونه اتفاقات تنها در آفریقای ظلمانی و یا در چین توتالیتار به راستی می‌توانند رخ دهند، اما نه در اروپای دموکراتیک. و مسلماً این چپ‌های افراطی - یا حلیقه زردها و یا حتا سندیکالیست‌ها - نیستند که می‌توانند در این باره از حق ویژه انتقاد کردن برخوردار باشند... آن‌ها نیز مطلقاً چنین پدیده‌ای را پیش‌بینی نکرده بودند.

به طوری کلی، درسی که بَدیو از این اوضاع می‌گیرد این است که اپیدمی کنونی به خودی خود هیچ نتیجه‌ی سیاسی برجسته‌ای در کشوری چون فرانسه به وجود نخواهد آورد. او می‌نویسد: «حتا اگر فرض کنیم که بورژوازی فرانسه خواستار خلاص کردن خود از ماکرون باشد، کاندیداهایی که از هم اکنون در کمین قدرت نشسته‌اند، مدافعان پوسیده‌ترین اشکال «ناسیونالیسمی» هستند به همان اندازه منسوخ که تهوع‌آور».

سرانجام فیلسوف فرانسوی با این نتیجه‌گیری نظری - سیاسی جستار خود را به اتمام می‌رساند:

« و اما تا آن جا که به ما مربوط می‌شود، ما که خواهان یک تغییر واقعی سیاسی در این کشور [فرانسه] هستیم، باید از این آنتراکت ناشی از اپیدمی استفاده کنیم و حتا از ماندن در خانه و محدود کردن خود - که کاملن ضروری است - بهره جوئیم، و این از برای کار کردن روی شکل‌های نوین سیاسی، روی پروژه‌ی ایجاد مکان‌های سیاسی نوین و سرانجام روی امر توسعه‌ی فرا-ملی [trans-national] مرحله‌ی سوم کمونیسم، پس از مرحله‌ی درخشان اولی که کمونیسم اختراع شد [منظور دوران‌ی است که از مانیفست کمونیست تا کمون پاریس می‌رود] و مرحله‌ی دومی که البته قابل توجه است اما سرآخر مغلوب آزمایش‌گری دولت‌گرایی خود میگردد [منظور بمرحله‌ی سوسیالیسم واقعاً موجود از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا فروپاشی این سیستم در دهه‌ی ۱۹۸۰ است]...»

در این هنگام که در خانه می‌مانیم، و به ویژه در چنین وضعیتی، باید تنها به حقایق قابل کنترل علم اعتماد کنیم و به چشم‌اندازهایی اعتبار دهیم که بر سیاستی نوین با آزمون‌هایی محلی و هدفی استراتژیکی مبتنی باشند.»

لینک‌های رجوع به نوشته آلن بَدیو: در باره‌ی اوضاع ناشی از اپیدمی

<https://urlz.fr/ccmV> : پی‌دی‌اف به زبان انگلیسی

<https://urlz.fr/ccmP> : پی‌دی‌اف به زبان فرانسه